

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه ۱۳، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، اول و دوم قرنتیان

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه شماره ۱۳، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، اول و دوم قرنتیان است.

همانطور که به مطالعات خود در مورد اتحاد با مسیح در پولس ادامه می‌دهیم، بیایید از خداوند کمک بخواهیم.

پدر، تو را به خاطر کلام مقدس شکر می‌کنم. تو را شکر می‌کنم که روح القدس خود را به ما عطا کردی و ما را از مقدسین خود ساختی. چشمان ما را بگشا تا بتوانیم چیزهای شگفت‌انگیز را در کلام تو ببینیم. ما را تشویق کن، ما را در راه جاودانه هدایت کن، ما از طریق عیسی مسیح، واسطه، دعا می‌کنیم. آمین.

ما در حال مطالعه‌ی متون پولس هستیم که در آنها او اتحاد با مسیح را آموزش می‌دهد.

ما بسیار گزینشی عمل می‌کنیم زیرا اتحاد با مسیح در نامه‌های پولس موج می‌زند. همانطور که بعداً خواهیم دید، وقتی برخی از مضامین و ایده‌های او را خلاصه می‌کنیم، می‌تواند به صورت اشاره‌های اتفاقی در سلام‌ها و پایان نامه‌ها باشد. نیمی از آنها به اتحاد با مسیح اشاره دارند.

این فقط بخشی از واژگان او شده است. نام کسی و سپس در مسیح، مثلاً تیموتاوس، و در مسیح گاهی اوقات مترادف مسیحی است. در مسیح مترادف مسیحی است.

زبان مسیح همیشه یک زیرلایه اساسی از رابطه با مسیح دارد، اما بسیاری از ظرافت‌های دیگر، کلمه خوبی است، که او مطالعه کرده و آشکار کرده است. بسیاری از ظرافت‌های دیگر آن در زبان مسیح، اگر بتوانیم اینگونه صحبت کنیم، بر روی آن زیرلایه قرار دارند. البته، در او، در مسیح، همیشه از اتحاد با مسیح صحبت نمی‌شود، اما بیشتر اوقات، اینطور است.

در اول قرنتیان ۱۰، پولس در مورد شام خداوند تعلیم می‌دهد و این آیات باید بسیار بیشتر از آنچه که در پرتو نهاد معروف شام خداوند در اول قرنتیان ۱۱ در نظر گرفته می‌شوند، مورد توجه قرار گیرند. این یک متن کلیدی است، اما پولس قصد دارد آن را در پرتو سخنان قبلی خود در اینجا در فصل ۱۰ بخواند. اول قرنتیان ۱۰: ۱۶-۲۲.

آیا پیاله برکتی که ما متبرک می‌کنیم، شراکت در خون مسیح نیست؟ توجه کنید که پولس ترتیب را برعکس می‌کند؛ به جای نان و پیاله، ابتدا پیاله را ذکر می‌کند. آیا نانی که پاره می‌کنیم، شراکت در بدن مسیح نیست؟ اول قرنتیان ۱۰: ۱۷. چون یک نان وجود دارد، ما که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه از یک نان بهره می‌بریم.

قوم اسرائیل را در نظر بگیرید، آیا کسانی که قربانی‌ها را می‌خورند، در قربانگاه شرکت نمی‌کنند؟ پس منظور من از اینکه غذایی که به بت‌ها تقدیم می‌شود چیزی است یا بت چیزی است، چیست؟ نه، منظورم این است که

آنچه بت پرستان قربانی می کنند، به شیاطین تقدیم می کنند و نه به خدا. من نمی خواهم شما با شیاطین شریک باشید. شما نمی توانید هم از جام خداوند و هم از جام شیاطین بنوشید.

شما نمی توانید هم از سفره خداوند و هم از سفره شیاطین سهم ببرید. آیا ما باید حسادت خداوند را برانگیزیم؟ آیا ما از او قوی تر هستیم؟ سخنان محکم در زمینه های وسیع تر و محدودتر، پولس در پی آن است که کلیسای قرن نهم، به ویژه مردان کلیسا را، از شرکت ناخواسته در پرستش بت پرستان منصرف کند.

برخی از آنها احمقانه فکر می کنند که می توانند بدون مجازات در معابد بت غذا بخورند. آنها ادعا می کنند که چنین رفتاری هیچ تاثیری بر زندگی مسیحی ندارد. به نظر می رسد استدلال آنها این است که چون بت ها واقعیت ندارند، خوردن غذاهایی که برای آنها قربانی شده بی ضرر است.

اگرچه پولس موافق است که بت ها واقعیت ندارند، اما استدلال آنها را رد می کند. برعکس، مؤمنان نباید هیچ کاری با بت ها یا معابد آنها داشته باشند. چرا؟ زیرا، همانطور که نقل قول می شود، آنچه را که بت پرستان قربانی می کنند، به شیاطین تقدیم می کنند و نه به خدا.

من نمی خواهم شما در مشارکت با شیاطین، کلمه کلیدی این متن، شریک باشید. نقل قول پایانی، آیه ۲۰. این مفهوم مشارکت با قلمرو ماوراء الطبیعه، یعنی شر ماوراء الطبیعه و همچنین خیر ماوراء الطبیعه و خدا، با اشارات پولس به قربانی های عهد عتیق در آیه ۱۸ تقویت می شود.

بنابراین، جریان فکری از این قرار است: پس از دو بار گفتن اینکه «ایماندارانی که با ایمان در شام خداوند شرکت می کنند» متوجه می شوند که این مشارکت، طبق آیه ۱۶، در خون و بدن مسیح است - باز هم برعکس کردن عناصر.

سپس، او درباره مشارکت با شیاطین درگیر در پرستش بت پرستان صحبت می کند. و سپس، مثال دیگری، این بار از عهد عتیق، مشارکت در قربانی های مقرر شده توسط خدا، آیه ۱۸. پولس با یک سؤال بلاغی، به اعمال عبادی یهودیان زمان خود اشاره می کند که مبتنی بر آموزه های عهد عتیق بودند.

خوردن غذای تقدیمی در قربانی ها به معنای شرکت در عمل مذهبی قربانی، یعنی شرکت در پرستش خدای اسرائیل بود. این به معنای شرکت در ایمان در فواید قربانگاه بود، آیه ۱۸. قوم اسرائیل را در نظر بگیرید.

آیا کسانی که قربانی ها را می خورند، در قربانگاه شرکت نمی کنند؟ بنابراین، پولس در متن اصلی از مشارکت با شیاطین در وعده های غذایی مذهبی بت پرستان و مشارکت با خدای اسرائیل در قربانی های یهودیان صحبت دو بار در آیه ۱۶ به کار رفته koinonia می کند. تأکید بر تأثیرات ماوراء الطبیعه شرکت در قربانی است. کلمه در بدن مسیح به معنای مشارکت و سهمیم شدن است koinonia در خون مسیح، و koinonia است.

یک ترجمه بسیار خوب می تواند «عشای ربانی» باشد. البته ما از این کلمه برای شام خداوند استفاده می کنیم اگر فقط درک کنیم که عمیق ترین معنای شام، یعنی در آغوش گرفتن کسی که همه دیگران را در بر می گیرد، در واقع، مشارکت یا اتحاد با مسیح است. از این رو، وقتی پولس از شرکت مسیحیان در شام خداوند صحبت می کند، منظورش این است که با انجام این کار، آنها در بدن و خون مسیح شرکت می کنند، با او در ارتباط هستند و سهمیم می شوند.

یعنی آنها از مزایای قربانی مسیح بر روی صلیب که یک بار برای همیشه انجام شد، بهره مند می شوند. آیه ۱۶، جام برکتی که ما متبرک می کنیم، آیا مشارکت در خون مسیح نیست؟ آیا نانی که پاره می کنیم مشارکت در بدن

مسیح نیست؟ سوالات بلاغی وجود دارد و حرف اضافه منفی یونانی که استفاده شده است، نشان دهنده پاسخ مثبت است. یعنی، هست، مگر نه؟ هست، مگر نه؟ چامپا و روزنر تیزبین هستند

با کمک یک سوال بلاغی، رسول تعلیم می‌دهد که ایماندارانی که در شام خداوند شرکت می‌کنند، از ارتباط واقعی با خدا و مشارکت در حیاتی که او از طریق صلیب برای ما به ارمغان آورده است، لذت می‌برند. «تفسیر عالی آنها بر رساله اول قرن‌تین. باید بگوییم که من مجموعه خوبی از تفاسیر دارم و آنها مورد علاقه من هستند.

آنها منصف هستند، طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را ارائه می‌دهند، بیش از حد متعصب نیستند، و خدای من آنها به خوبی بر زمینه‌های بزرگتر و کوچکتر رساله اول قرن‌تین تسلط دارند. و همه اینها با نثری خوش خط. این تفسیر با آیه ۲۱ تأیید می‌شود، شما نمی‌توانید هم جام خداوند و هم جام شیاطین را بنوشید

شما نمی‌توانید هم بر سر سفره خداوند و هم بر سر سفره شیاطین باشید. نگرانی پولس صرفاً ظاهر نیست. اگر بتوانیم در قربانی‌های بت‌پرستان اینگونه صحبت کنیم، شرکت‌کنندگان با شیاطین مشارکت دارند

و با مسیح در شام. یک بار دیگر، چامپا و روزنر به کمک ما می‌آیند. نقل قول: استدلال پولس، با تأکید بر کوچک، به g مشارکت در خون و بدن مسیح، در پی تأکید بر این است که خدا کجا حضور دارد یا خدا، یعنی عنوان میزبان یا حامی یا میزبانان یا حامیان غذا فراخوانده می‌شود

این رفاقت صرفاً با مردان و زنانی که دور میز جمع شده‌اند نیست، بلکه با الوهیت نیز هست. از طریق رفاقت‌مان با مسیح، در مزایای فداکاری او که به ایجاد یا تجدید رابطه‌ی عهدی ما با خدا کمک می‌کند، سهیم می‌شویم. آیا من تعلیم می‌دهم که شام خداوند به طور خودکار نجات‌بخش است؟ نه! اما این انجیل است که به صورت تشریفات برگزار می‌شود، بنابراین کلیسا هرگز انجیل را فراموش نمی‌کند

هر بار که این نان را می‌خورید و این جام را می‌نوشید، مرگ خداوند، کفاره و انجیل را تا زمان آمدن او اعلام می‌کنید. همانطور که گفتیم، این تفسیر توسط آیاتی که پس از آیه ۱۶ می‌آیند، تأیید می‌شود. همانطور که رومیان ۶: ۱-۱۱ و کولسیان ۲: ۱۱-۱۲ از اتحاد با مسیح به عنوان مهمترین معنای تعمید مسیحی صحبت می‌کنند، رومیان ۶: ۱-۱۱، کولسیان ۲: ۱۱-۱۲، فراگیرترین، جامع‌ترین و عمیق‌ترین معنای تعمید مسیحی اتحاد با مسیح است

بنابراین، در اینجا، در اول قرن‌تین ۱۰، پولس تعلیم می‌دهد که ایمانداران شرکت‌کننده در شام خداوند، از مزایای اتحاد با مسیح بهره‌مند می‌شوند. آنها از مشارکت واقعی با او لذت می‌برند، و من در مورد آنچه که ما به ارمغان می‌آوریم، یعنی احساساتمان، که مهم هستند و پاسخی ذهنی به واقعیت عینی فیض خدا در شام مقدس هستند، صحبت نمی‌کنم. من در مورد واقعیت عینی فیض خدا در شام مقدس صحبت می‌کنم همانطور که روح القدس مزایای مسیح را که در دست راست خدا نشسته است، در شام خداوند برای ما به ارمغان می‌آورد، به طوری که در واقع وسیله‌ای برای فیض است

خودکار؟ چنین چیزی وجود ندارد. وقتی می‌گوییم غسل تعمید در شام خداوند کلمات قابل مشاهده‌ای هستند. که انجیل آنها را در مراسم گنجانده است، چیزی بیش از آنچه به کلام نسبت می‌دهم به آنها نسبت نمی‌دهم. کلام خدا وسیله‌ای برای فیض است

همه مسیحیان انجیلی موافقند. وقتی انجیل موعظه می‌شود، فیض الهی ارائه می‌شود. آیا این فیض به طور خودکار مؤثر است؟ خیر

البته باید با ایمان پذیرفته شود. و همینطور غسل تعمید در شام خداوند. اروپا پر شده است، و فرانسه پر از میلیون‌ها نفری است که در کلیسای کاتولیک روم به عنوان نوزادی که نجات نیافته است، غسل تعمید داده شده‌اند.

که صرفاً با انجام عمل، فیض اعطا می‌شود، رازهای مقدس، «ex opere operato»، برخلاف ادعای روم مؤثر نیستند. خیر. اما فیض، فیض واقعی، عطا می‌شود.

و پاسخ ما به آن فیض باید ایمان باشد، که آن هم موهبتی از جانب خداست، اما این موضوع دیگری است. شرکت‌کنندگان مؤمن از مزایای اتحاد با مسیح بهره‌مند می‌شوند. آنها از مشارکت واقعی با مسیح لذت می‌برند. و از برکات قربانی کفاره او بهره‌مند می‌شوند.

و همانطور که اول قرن‌تین ۱۶:۱۰ از مشارکت عمودی با او در شام صحبت می‌کند. این جام برکت نیست؛ این سومین جام در مراسم عید فصح یهودیان قرن اول، جام رستگاری است. این جام برکت، مشارکت در خون مسیح نیست.

این ارتباط عمودی، مشارکت و سهیم شدن با مسیح است. آیه بعدی از مشارکت افقی در اتحاد با مسیح صحبت می‌کند. اتحاد ما با او ما را به اتحاد با یکدیگر هدایت می‌کند، و خوب، قرن‌تین بر اساس فصل‌های اولیه و تقسیم‌بندی‌هایشان، واقعاً باید این را بشنوند.

و به همین دلیل است که عناصر معکوس شده‌اند، زیرا پولس به جای اینکه از نان به فنجان اشاره کند، به نان اشاره می‌کند و سپس به نحوه برگزاری شام خداوند توسط آنها استناد می‌کند. به ما دستور داده نشده است که دقیقاً مانند آنها عمل کنیم. آنها از یک قرص نان معمولی، یا شاید قرص‌های نان معمولی استفاده می‌کردند. و نان به یک شرکت‌کننده مؤمن می‌رسید که یک تکه از آن را جدا می‌کرد و به دیگری می‌داد.

پولس در آیه ۱۷ از این تصویرسازی برای صحبت در مورد اتحاد افقی یا مشارکت با دیگر مؤمنان استفاده می‌کند که ریشه در اتحاد عمودی با مسیح دارد، که معنای اصلی شام آخر است. از آنجا که یک نان وجود دارد، ما که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه ما از یک نان، یعنی نان مشترک، که پولس از آن به عنوان نمادی از وحدت افقی مشترک خود استفاده می‌کند، سهم می‌بریم. به همین دلیل است که پولس در آیه ۱۶ همانطور که گفتیم، نان و جام را وارونه می‌کند تا انتقال آسان از اتحاد عمودی به افقی را در آیه بعدی فراهم کند.

سوال الهیاتی مطرح می‌شود: اگر غسل تعمید مسیحی به معنای اتحاد اولیه با مسیح است، اما به طور خودکار آن را محقق نمی‌کند، اما به معنای انجیلی است که به آن ایمان داریم و نجات یافته‌ایم، پس چرا به اتحاد مداوم با مسیح در شام خداوند نیاز داریم؟ مثل این است که بپرسیم، چرا به فیض و ایمان مداوم نیاز داریم؟ چرا به انجیل مداوم نیاز داریم؟ زیرا ما یک بار برای همیشه به مسیح پیوسته‌ایم. اما خداوند از ابزار فیض موعظه و خواندن کلام، دعا و مشارکت ایمانی ما در شام خداوند به عنوان وسیله‌ای برای تقویت ایمان استفاده می‌کند. بنابراین، کالوین در مورد استفاده خداوند از شام خداوند برای تقویت پیوند اتحاد ما با مسیح و تقویت پیوند ما صحبت می‌کند.

دارم دنبال یه کلمه می‌گردم، و اگه بفهمم ذهن قدیمیم چطور کار می‌کنه، بعداً به ذهنم می‌رسه. علاوه بر این. در آیه ۱۷، پولس به تصویر کلیسا به عنوان بدن مسیح اشاره می‌کنه. او تقریباً به طور اتفاقی این کار رو می‌کنه.

او اصلاً توضیحی در موردش نمی‌دهد. این فقط بخشی از واژگان مسیحی است. چون یک نان وجود دارد، ما که یک بدن هستیم، ما که بسیاریم، یک بدن هستیم، زیرا همه ما از یک نان بهره می‌بریم.

همانطور که بسیاری از اعضای جماعت قرنطیان در شام خداوند از یک قرص نان مشترک می‌خورند، آنها یک بدن هستند. بسیاری از آنها با خوردن نان، به یک بدن مسیح، یک کلیسا تبدیل می‌شوند. اتحاد آنها با مسیح، که در شام تجربه می‌شود، اتحاد آنها با یکدیگر را به عنوان بدن مسیح برقرار و نشان می‌دهد.

اول قرنطیان ۲۱:۱۵-۲۳. ما نمی‌توانیم تک تک متون پولس را بررسی کنیم. در مورد اتحاد با مسیح، من چند متن عالی را انتخاب می‌کنم و فقط همین را می‌گویم.

البته من علیه هیچ کدام از آنها صحبت نمی‌کنم. پولس دو انسان را با هم مقایسه و در تضاد قرار می‌دهد. اول قرنطیان ۲۱:۱۵-۲۳.

البته، این دو آدم هستند. پس از تأمل در نتایج فاجعه‌باری که اگر مسیح از مردگان بر نمی‌خاست برای مؤمنان در اول قرنطیان ۱۲:۱۵-۱۹ وجود داشت، به عنوان یکی از دو چیزی که خداوند در زندگی من به عنوان یک جوان ۲۱ ساله به طرز قدرتمندی به کار برد تا مرا به ایمان به مسیح برساند، اشاره می‌کنم. با خودم گفتم خدا چقدر می‌تواند صادق باشد؟ او به طور سیاه و سفید می‌گوید، اگر عیسی بر نمی‌خاست چه چیزی به دست می‌آمد؟ فاجعه.

ما یک مشت احمق می‌شدیم. حواریون از خدا دروغگو می‌سازند. ما گمراه می‌شدیم.

کسانی که در مسیح مرده‌اند، هلاک خواهند شد. اما حال در آیه ۲۰، نکته دیگری که مرا متقاعد کرد، تثلیث بود. البته قبلاً در مورد آن شنیده بودم، اما به عنوان یک جوان ۲۱ ساله که به مسیح ایمان آوردم، کتاب مقدس، به خصوص پولس را با ولع خواندم و در افکار او همه چیز را دیدم.

بالای فکرش، زیر فکرش، در وسط، آموزه تثلیث همه جا هست. و من گفتم، چه کسی این را از خودش در می‌آورد؟ این یک مانع است. این یک راز است.

این فراتر از توانایی درک ماست. این باید منشأ الهی داشته باشد، نه انسانی. این باید روشی باشد که خدا همیشه بوده است.

به هر حال، آیه ۲۰ از اول قرنطیان ۱۵. اما در واقع، مسیح از مردگان برخاسته است - نوبر کسانی که خوابیده‌اند.

چطور ممکن است قرنطیان، به عنوان مؤمنان به مسیح، و پولس آنها را به عنوان اکثریت قریب به اتفاق آنها، به رستاخیز مسیح شک کنند؟ زیرا آنها به عنوان یونانیان و رومیان، به عنوان رومیانی که تحت تأثیر فرهنگ یونانی-رومی بودند، می‌دیدند که چه اتفاقی برای اجساد در مرگ می‌افتد. و فرض ساده‌لوحانه آنها رستاخیز بدن بود و این را از فیلسوفان خود گرفته بودند، به همین دلیل است که در تپه مارس وقتی پولس از رستاخیز صحبت کرد، فیلسوفان یونانی فقط به او خندیدند. این مسخره است.

آنها فکر می‌کردند رستاخیز به معنای زنده شدن اجساد بدبو است. به من گفته شده که این موضوع کاملاً بی‌شباهت به زامبی‌ها نیست. من مطمئناً متخصص زامبی نیستم.

من آن منطقه را به برخی از پسران بالغمان واگذار خواهم کرد. واقعاً نمی‌فهمم. اما به هر حال، اجساد پوسیده در حال پرسه زدن؟ آه! او پولس در اینجا تمام تلاش خود را می‌کند تا نشان دهد که، خلاصه کلام، بدن‌های فانی و فسادپذیر ما جاودانه و فسادناپذیر خواهند شد.

در واقع، آنها جاودانه، فسادناپذیر، باشکوه، قدرتمند و روحانی هستند و در رستاخیز مردگان تحت سلطه روح القدس قرار دارند، بنابراین رستاخیز مردگان را درک نمی‌کنند و ایده‌های ساده‌لوحانه آنها در مورد زنده شدن اجساد پوسیده در واقع تأثیر فاجعه‌باری بر رستاخیز عیسی دارد، که آنها به آن برای نجات اعتقاد دارند. اول قرن‌تین ۱۵:۳ و ۴، این انجیل، مرگ و رستاخیز مسیح است و اینکه باید به او ایمان آورد.

بنابراین، او تناقض آنها را نشان می‌دهد. اما در واقع، مسیح از مردگان برخاسته است، نوبر کسانی که به خواب رفته‌اند. زیرا همانطور که مرگ به وسیله یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز به وسیله یک انسان فرا رسیده است.

زیرا چنانکه در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. اما هر کس به ترتیب خود، مسیح نوبر است، سپس در آمدن او آنان که به مسیح تعلق دارند. پولس دو انسان را با هم مقایسه و در تضاد قرار می‌دهد.

همانطور که آدم از طریق گناه نخستین خود مرگ را به جهان بشریت آورد، مسیح، آدم دوم، از طریق رستاخیز خود از مردگان، حیات را به ارمغان می‌آورد. او ابتدا زنده شد و وقتی دوباره بیاید، قوم خود را زنده خواهد کرد. پولس در اینجا مسیحیان را به عنوان کسانی که به مسیح تعلق دارند، توصیف می‌کند، نقل قول می‌کند، آیه ۲۳

استفاده پولس از «در مسیح» در آیه ۲۲ را باید در مقابل استفاده او از «در آدم» در همان آیه بررسی کرد. به این ترتیب، «در مسیح» معنای مکانی اساسی، که به مکان مربوط می‌شود، را از عبارتی که به صورت مجازی، برای اشاره به قلمرو، قلمرو و پادشاهی استفاده می‌شود، منعکس می‌کند. همه کسانی که در قلمرو آدم هستند، می‌میرند.

تمام کسانی که در قلمرو مسیح هستند، در بازگشت او زنده خواهند شد. چامپا و راسنر در این متن، روح پولس را در آدم و به موازات آن در مسیح به تصویر می‌کشند. پولس مختصرترین شکل قابل تصور از داستان رستگاری را ارائه می‌دهد.

مسئله‌ی کهن‌الگویی گناه، راه حل فرجام‌شناختی خود را از طریق اوج رستاخیز مسیح می‌یابد. زیرا همانطور که در آدم همه می‌میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد. آنها به طور خردمندانه و مختصر می‌گویند که بودن در آدم، به معنای عضویت در گروهی است که نماینده و رهبر خود را در آدم می‌یابد و هویت و سرنوشت خود را در آدم و آنچه او برای قوم خود به ارمغان آورده است، می‌یابد.

در مسیح بودن، یعنی عضویت در گروهی که نماینده و رهبر خود را در مسیح می‌یابد، گروهی که هویت و سرنوشت خود را در مسیح و آنچه او برای قومش به ارمغان آورده است، می‌یابد. این یک توازی زیباست. او در تأثیراتشان متضادند، اما در نقش‌هایشان، آنها دو آدم و سران پیمان، روسای فدرال قوم خود هستند.

آدم، همه مردم. مسیح، پولس را برای همه کسانی که به او تعلق دارند، واجد شرایط کرده است. عبارات موجود در آدم و مسیح، ایده همبستگی جمعی را تقویت می‌کنند.

آیه زیر روشن می‌کند که منظور پولس از زنده شدن، که یک نقل قول است، رستاخیز است، زیرا کسانی که به او تعلق دارند، زنده خواهند شد، یعنی وقتی او بیاید، برخیزانیده خواهند شد. من می‌توانم با اول قرن‌تین ۱۵ کارهای بیشتری انجام دهم، اما می‌خواهم مضامین و ایده‌های پولس و حتی سهم آنها در الهیات سیستماتیک را در یک سخنرانی آینده که به زودی منتشر می‌شود، ارائه دهم. اما نمی‌توانم در برابر آیه آخر در اول قرن‌تین

مقاومت کنم: بنابراین، برادران عزیزم، پایدار و استوار باشید و همیشه در کار خداوند فراوان باشید، زیرا ۱۵ می‌دانید که زحمت شما در خداوند بیهوده نیست.

این یکی از جاهای زیادی است که رسول اعمال مسیحی را به عنوان بودن در خداوند، به معنای برای مسیح بیان می‌کند. کاری که در اینجا به آن اشاره شده است، کار مسیحی، خدمتی است که برای مسیح انجام می‌شود. از آنجا که عیسی از مردگان زنده شده است، پولس قرن‌تین را نصیحت می‌کند که تزلزل‌ناپذیر و استوار باشند.

آنها می‌توانند صرف نظر از شرایط، محکم بایستند و با داشتن این لنگر، یعنی مصلوب شده، زنده بمانند. در نتیجه، می‌توانند در کار خداوند مثمر ثمر باشند، زیرا می‌دانند که بیهوده نخواهد بود. صحبت از مسیح، از کار مسیحی، بارت، سی. کی. بارت مختصر و مفید است، نقل قول، از آنجایی که در خداوند انجام می‌شود نمی‌تواند بیش از او نابود شود، نقل قول نزدیک.

تفسیر مفید بارت بر رساله اول به قرن‌تین. و باور کنید یا نه، من به دوم قرن‌تین می‌پردازم. دوم قرن‌تین ۱:۳-۷

متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، پدر رحمت‌ها و خدای همه تسلی‌ها، که ما را در همه سختی‌هایمان تسلی می‌دهد، تا ما نیز بتوانیم کسانی را که در هر سختی هستند، با تسلی‌ای که خود از خدا یافته‌ایم، تسلی دهیم. زیرا همانطور که ما در رنج‌های مسیح شریک فراوان هستیم، به وسیله مسیح نیز در تسلی فراوان شریک هستیم. اگر ما در رنج هستیم، برای تسلی و نجات شماس

اگر ما تسلی می‌یابیم، برای تسلی شماس، تسلی‌ای که شما با تحمل صبورانه‌ی رنج‌هایی که ما متحمل می‌شویم، تجربه می‌کنید. امید ما به شما تزلزل‌ناپذیر است، زیرا می‌دانیم که همانطور که شما در رنج‌های ما شریک هستید، در تسلی ما نیز شریک خواهید بود. پولس با ستایش خدا، پدر خداوند عیسی مسیح، آغاز می‌کند.

نکته قابل توجه این است که رسول او را به عنوان پدر رحمت‌ها و خدای همه تسلی‌ها توصیف می‌کند. آیه ۳ این کلمات اساس آموزه بعدی را تشکیل می‌دهند. پدر مهربان و تسلی‌دهنده، مؤمنان را در رنج‌هایشان تسلی می‌دهد تا آنها را برای تسلی دادن به دیگران در رنج‌هایشان آماده کند.

این تسلی خداست که مؤمنان تسلی یافته به دیگران منتقل می‌کنند. آیه ۴. تاکنون، تنها ذکر مسیح به عنوان پسر خدا بوده است. اکنون، اوضاع تغییر کرده است.

پولس به عواطف مسیحیان از دیدگاه مسیح‌شناسی نگاه می‌کند. همانطور که ما به وفور در رنج‌های مسیح سهیم هستیم، از طریق مسیح، به وفور در آسایش نیز سهیم هستیم. آیه ۵. مهم است که اعلام کنیم این آیه به چه معنا نیست.

البته، مؤمنان در رنج‌هایی بخش مسیح سهیم نیستند. این کاملاً منحصر به فرد باقی می‌ماند. تنها واسطه کفاره را می‌دهد.

ما کفاره نمی‌دهیم. همچنین، ترکیب رنج‌های فعلی و آسایش آینده، اگرچه مستثنی نیستند، اما در درجه اول مد نظر نیستند. بلکه منظور پولس ترکیبی از مصائب فعلی و آسایش فعلی است.

یک الگوی رایج، رنج‌های کنونی و آسایش آینده است، اما در اینجا، تمرکز اصلی او بر رنج‌های کنونی و آسایش کنونی است. اگر بخواهید، آوردن آسایش آینده به اکنون. یعنی، اتحاد با مسیح در مرگ و رستاخیز او

نه تنها شامل رنج‌های کنونی و جلال آینده است، بلکه رنج‌ها و جلال کنونی را نیز به عنوان کمک و تشویق پدر تجربه می‌کند.

و این کمک و دلگرمی باید به اشتراک گذاشته شود. اگر ما رنج می‌کشیم، برای تسلی و نجات شماست. و اگر ما تسلی می‌یابیم، برای تسلی شماست، تسلی‌ای که شما با تحمل صبورانه‌ی همان رنج‌هایی که ما متحمل می‌شویم، تجربه می‌کنید.

همانطور که خداوند عیسی مرد و زنده شد، می‌توانیم به ایماندارانی که اکنون در رنج و تسلی او شریک هستند اطمینان داشته باشیم. امید ما به شما تزلزل‌ناپذیر است، زیرا می‌دانیم همانطور که در رنج‌های ما شریک هستید، در تسلی ما نیز شریک خواهید بود. فیلیپ اجکامب هیوز تفسیرهایی بر دوم قرن‌تیان و عبرانیان و کمی کار بر روی کتاب مکاشفه انجام داده است.

و حرف درستی است؛ او غیرمعمول بود، بود، و اکنون، طبق گفته محققان عهد جدید، نزد خداوند است. در واقع، حتی محدود کردن او به نظم و انضباط نیز دشوار است زیرا او از تاریخ تفسیر عهد جدید و کتاب مقدس آگاه بود. وای! و همچنین، یک متکلم بسیار توانمند بود.

بنابراین، تفاسیر او شامل تاریخ تفسیر می‌شود. از نظر دانش انتقادی، تفسیر جدی از عصر روشنگری آغاز شد و مطالب قبلی، حداقل به طور کلی، بی‌ارزش هستند. اما برای هیوز اینطور نیست.

ما می‌توانیم از پدران کلیسا، از قرون وسطی‌ها و مطمئناً از اصلاح‌طلبان، جان ادواردز و غیره چیزهای زیادی بیاموزیم. هیوز به طور خلاصه و شیوا برای مسیحیان بیان می‌کند؛ با این حال، همانطور که پولس در جای دیگری توضیح می‌دهد، چیزی به نام مشارکت در رنج‌های مسیح وجود دارد، فیلیپیان ۳:۱۰. این به معنای سهیم شدن یا مشارکت با مسیح در رنج است. اما باید به خاطر داشت که مسیح دیگر در حقارت رنج نمی‌برد، زیرا اکنون در جلال و شکوه خود تعالی یافته است.

اگر ما به مشارکت در رنج‌های مسیح تحقیر فراخوانده شده‌ایم، این مسیح جلال است که واسطه‌ی تسلی فراوانی برای ماست، همان یک مسیح. اگرچه تأکید، نقل قول نزدیک، بر رنج و تسلی فعلی است، اما این متن خالی از امید به تسلی آینده نیست، زیرا توجه را به خدایی که مردگان را زنده می‌کند، جلب می‌کند. این نقل قولی از دوم قرن‌تیان ۱:۹ است. دوم قرن‌تیان ۱:۱۷-۲۲، من قبلاً به این متن اشاره کردم و اینجا چیز زیادی ندارم، اما جذاب است زیرا پولس را در حالت دفاعی به تصویر می‌کشد که از حملات به صداقت خود دفاع می‌کند.

اول قرن‌تیان ۱:۱۵، چون از این موضوع مطمئن بودم، می‌خواستم اول به نزد شما بیایم تا شما نیز فیض الهی را تجربه کنید. می‌خواستم در مسیر رفتن به مقدونیه به دیدار شما بیایم و در بازگشت از مقدونیه شما را ببینم و شما مرا به راه یهودیه بفرستید. آیا وقتی می‌خواستم این کار را انجام دهم، مردد بودم؟ آیا نقشه‌هایم را بر اساس تمایلات نفسانی می‌کشم، آماده‌ام که همزمان بگویم بله، نه، نه، نه؟ دشمنانش دقیقاً همین را می‌گویند، زیرا پولس برنامه سفر خود را تغییر داد.

و آنها می‌گویند، ببینید، او برنامه سفرش را تغییر می‌دهد و این همان کاری است که با تدریسش انجام می‌دهد. او فقط همه چیز را تغییر می‌دهد. او گوش‌های شنونده‌اش را قلقلک می‌دهد.

او یک رسول دروغین است. خب، آیا پولس می‌تواند انتقاد را بپذیرد؟ بله. آیا او انتقاد انتقادی را دوست دارد؟ خیر.

آیا این باعث می‌شود شب‌ها بیدار بماند؟ فکر نمی‌کنم. آیا می‌تواند انتقاد از انجیل را تحمل کند؟ بهتر است باور نکنید. و او با دعوا از آنجا بیرون می‌آید.

و مطمئناً، همانطور که خدا امین است، ۱:۱۸، کلام ما با شما بله و خیر نبوده است. زیرا پسر خدا، عیسی مسیح، که ما در میان شما به شما اعلام می‌کنیم، یعنی من و سیلوانوس و تیموتائوس، بله و خیر نبود، بلکه در او همیشه بله است، زیرا همه وعده‌های خدا در او بله خود را می‌یابند.

به همین دلیل است که از طریق اوست که ما آمین خود را برای جلال، برای جلال خدا، می‌گوییم. و این خداست که ما را با شما در مسیح استوار می‌کند و ما را مسح کرده است، که مهر خود را بر ما نهاده است، و روح خود را به عنوان ضمانت در قلب‌های ما قرار داده است و دشمنان ما را به تردید در خدمت و پیام متهم می‌کنند.

وقتی پولس طبق برنامه به قرنتس بازنگشت، از هر دو دفاع کرد. او توضیح می‌دهد که برای نجات آنها، برنامه سفرش به قرنتس را تغییر داده است (آیه ۲۳). (مهمتر از همه، او تأکید می‌کند که پیامش همیشه ثابت مانده و تغییر نکرده است).

پیام او، برنامه‌هایش، برنامه سفرش ممکن است تغییر کند، اما خود پیام نه. نه. این [پیام] محکم و تغییرناپذیر است.

روش‌ها، من برای همه چیز هستم، و به هر طریقی، ممکن است برخی را نجات دهم، اول قرن‌تین ۹. روش‌ها قابل تغییر هستند. پیام، تغییرناپذیر. زیرا توسط مسیح قیام کرده به او داده شده است، غلاطیان ۱، او آن را از خودش ساخته است.

زیرا پیام او بر مسیح و انجیل متمرکز است، آیات ۱۹ تا ۲۰. این دو کاربرد «در او» ابزاری هستند. خدا وعده‌های خود را می‌دهد و آنها را در مسیح، یعنی از طریق شخص و کار پسرش، عیسی مسیح، به انجام می‌رساند.

به دلیل ثباتی که مسیح به انجیل می‌آورد، در او یا از طریق اوست که ما برای جلال خدا آمین می‌گوییم، آیه در او آمین ما همیشه بله است، نه بله و نه، نه متزلزل، و همه وعده‌های خدا بله خود را در او، ۱۹. ۲۰. می‌یابند، که هر دو را به عنوان از طریق او توضیح داده‌ایم. نشان دادن وسیله یا وسیله.

پولس مردد نیست. برعکس، او و همه مسیحیان نیروی تثبیت کننده عظیمی در زندگی خود دارند، آیات ۲۱ تا ۲۳. تثلیث مقدس، مؤمنان را پایدار می‌کند.

پدر ما را از طریق خدمات روح القدس تثبیت می‌کند. پولس چهار بار از روح صحبت می‌کند. پدر ما را با روح مسح می‌کند، ما را با روح مهر می‌کند، روح خود را در قلب‌های ما به ما می‌دهد و روح را به عنوان پیش‌پرداخت یا ضمانت میراث نهایی ما به ما می‌دهد.

اینکه خدا روح را در قلب‌های ما قرار می‌دهد، روش دیگری برای صحبت در مورد ساکن شدن در ما است، که یک همراه و همبسته جدایی‌ناپذیر برای اتحاد با مسیح است. پولس در آیه ۲۱ می‌نویسد: این خداست که ما را با شما در مسیح استوار می‌کند. در اینجا سومین اشاره به «در مسیح» در این شش آیه آمده است.

در این مورد، «آیه، جایگاه مؤمنانی را بیان می‌کند که به نوعی توسط مسیح تعریف شده یا متعلق به او هستند.» اثر عالی کنستانتین کمپبل، *پولس و اتحاد با مسیح*. دوم قرن‌تین ۱۶:۵ تا ۲۱.

امیدوارم به اندازه کافی به آن تأثیرات تثبیت‌کننده پرداخته باشم. شاید فقط کمی بیشتر توضیح دهم. پولس پس از اینکه در آیه ۲۰ می‌گوید وعده‌های خدا، به ویژه انجیل، پایدار هستند، در آیه ۲۱ می‌گوید خدا تثلیث، به ویژه پدر، ما را تثبیت می‌کند.

این کاری است که او انجام می‌دهد، نه تنها با گفتارش، بلکه با عملش. به طور خاص، او ما را با شما در مسیح تثبیت می‌کند. ممکن است در اینجا یک بازی با کلمات وجود داشته باشد زیرا کریستوس به معنای مسح شده است و کلمات بعدی او این است که ما را مسح کرده است.

خداوند با عطای روح القدس به مؤمنان، آنها را در مسیح تثبیت کرده است. تثلیث وجود دارد. پدر، قوم را در اتحاد با پسرش تثبیت می‌کند.

یعنی، صحبت از مؤمنان به عنوان کسانی که با دادن روح به آنها متعلق به مسیح هستند. او به چهار طریق از دادن روح به آنها صحبت می‌کند. او ما را مسح کرد.

او روح خود را یک بار برای همیشه در روز پنطیکاست بر کلیسا ریخت. و از آن زمان، مؤمنان هنگام بازگشت روح را دریافت می‌کنند. او همچنین مهر خود را بر ما زده است.

اگرچه کمتر کسی می‌داند، پولس در سه قسمت از روح القدس به عنوان مُهر خدا صحبت می‌کند. ما قبلاً آن را در اول قرن‌تین دیدیم، ببخشید، افسسیان ۴:۳۰: مست شراب نشوید، بلکه از روح القدس پر شوید. او، این اشتباه است.

ببخشید، باید برگردم آنجا. اینجا کمی دارم با تخم مرغ‌هایم هم می‌زنم؛ بابت این موضوع عذرخواهی می‌کنم. پولس در سه جا از مُهر روح القدس صحبت می‌کند.

روح القدس مُهر خداست. افسسیان ۱:۱۳ و ۱۴. در او، شما نیز با روح القدس موعود مُهر شده‌اید.

در مسیح، پدر ما را مُهر می‌کند. این انفعال الهی است. در مسیح، شما نیز توسط پدر با مُهر، که همان روح القدس موعود است، مُهر شدید.

تثلیث وجود دارد. پدر مُهرکننده است، روح مُهرکننده است، و خدا ایمانداران به مسیح را مُهر می‌کند. به همین ترتیب، بله، این افسسیان ۴:۳۰ است. من مجبور بودم اول بنویسم، اما بابت نقل قول اشتباه عذرخواهی می‌کنم.

و روح القدس خدا را که به وسیله‌ی آن، که باید باشد، همانطور که قبلاً گفتم، محزون نکنید. ما برای روز رستگاری مُهر شده‌ایم. در آنجا، معنای اصلی مُهر شدن آشکار می‌شود.

این حفاظت است. خدا اکنون ما را با روح خود مُهر می‌کند و نجات نهایی ما را تضمین می‌کند. او ما را مُهر می‌کند، ما را به عنوان متعلق به خود علامت‌گذاری می‌کند و شخصی از الوهیت را به ما می‌دهد تا از ما و نجات ما تا روز رستگاری یا برای آن روز محافظت کند.

بنابراین، پیام پولس تزلزل‌ناپذیر است زیرا کلام خدا محکم است، دوم قرن‌تین ۱:۱۹. و پولس و همه مؤمنان دیگر، در واقع، به دلیل تثلیث نیز محکم و پایدار هستند. نه تنها در گفتار ۱:۱۹، بلکه در عمل، به ویژه در دادن روح به ما. خدا ما را مسح کرد و با روح مهر و موم نمود.

نمی‌گوید روح، اما تلویحاً به آن اشاره شده است. و روح خود را در قلب‌های ما قرار داده است. و چهارمی به عنوان پیش‌پرداخت، ضمانت، ... من امروز در به خاطر سپردن چیزها مشکل دارم.

البته، در مورد من، این هیچ ربطی به سن و سال ندارد. من این کلمه را به خوبی اسم خودم می‌دانم. اما هست؟ البته، عربون.

کلمه قرصی آرامی، آرابون. پیش‌پرداخت. ودیعه.

مشتاقانه منتظر رستگاری نهایی هستم. وقتی خدا بقیه میراث یا وعده را به ما بدهد، آنچه که توسط ... اگر بتوانم از یک مثال امروزی استفاده کنم، پول پیش پرداختی که برای خانه گذاشتید. برای اشاره به برکت دادن ما توسط خدا با روح القدس.

ثبات ما را که توسط خدا مقدر شده و به قوم او داده شده است، نشان دهید. دوم قرن‌تین ۱۷: ۱-۲۲. دوم قرن‌تین ۱۶: ۵-۲۱.

من پیر نمی‌شوم. این‌ها همه‌اش افسانه است، دارم به شما می‌گویم. دوم قرن‌تین ۵، ۱۶-۲۱.

بنابراین، از این پس، ما هیچ‌کس را از نظر جسم نمی‌بینیم. اگرچه زمانی مسیح را از نظر جسم می‌دیدیم، دیگر او را از این نظر نمی‌بینیم. بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است.

چیزهای کهنه درگذشتند و اینک، چیزهای نو از راه رسیده‌اند. همه اینها از جانب خداست که به وسیله مسیح ما را با خود آشتی داد و خدمت آشتی را به ما سپرد. یعنی، در مسیح، خدا جهان را با خود آشتی می‌داد.

گناهانشان را به حساب خودشان نمی‌گذاریم و پیام آشتی را به آنها می‌سپاریم. بنابراین، ما سفیران مسیح هستیم. خدا از طریق ما دعوت خود را می‌کند و ما از طرف مسیح از شما التماس می‌کنیم که با خدا آشتی کنید.

به خاطر ما، تا در او ... به خاطر ما، خدا او را که گناه نشناخت، گناه ساخت، تا ما در او پارسایی خدا شویم. پولس از تغییر جایگاه ایمانداران صحبت می‌کند. اگر کسی در مسیح باشد، خلقت تازه‌ای است.

در مسیح «مشخصه‌ی قلمرو جدیدی است که مسیحیان خود را در آن می‌یابند. این قلمرو، قلمرو مسیح» است. بودن در قلمرو او به معنای بخشی از خلقت جدید خداست.

رسول به توصیف این وضعیت ادامه می‌دهد. او می‌گوید: «آنچه که کهنه بود، گذشت. بنگرید، اکنون چیز «تازه‌ای از راه رسیده است».

پولس در آیه ۱۷، در مسیح و آشتی را با هم جمع می‌کند. به نظر می‌رسد که او در آیه ۱۹، در مسیح، و در آیه از طریق مسیح، این کار را انجام می‌دهد. این به این صورت است: ۱۸، خدا از طریق مسیح ما را با خود، ۱۸، آشتی داد.

یعنی، در مسیح، خدا جهان را با خود آشتی می‌داد. از طریق مسیح، در مسیح ۱۸ و ۱۹ از دوم قرن‌تین ۵ ۱۹. بنابراین، در مسیح، در آیه ۱۹ به صورت ابزاری استفاده شده است.

خدا از طریق شخص و کار مسیح، بین جهان و خود صلح برقرار می‌کند. پولس همچنین در او و عادل شمردگی (یا عادل شمردگی) با هم ترکیب می‌شوند. به خاطر ما، آیه ۲۱، او، خدا، او را که گناه نمی‌شناخت، گناه ساخت تا ما در او پارسایی خدا شویم.

اگرچه همه کاربردهای زبان مسیح، رابطه‌ای بین مسیح و مؤمنان را بیان می‌کند، اما اکثر کاربردها مستقیماً به اتحاد با مسیح اشاره نمی‌کنند. اما به نظر می‌رسد در اینجا اینطور باشد. و من از کنستانتین کمپبل نقل قول می‌کنم که بیش از هر شخص دیگری، به من آموخت که این به چه معناست، اتحاد با مسیح در نوشته‌های پولس به چه معناست.

این عبارت می‌تواند به اتحاد با مسیح اشاره داشته باشد. مؤمنان با سهم شدن در عدالت مسیح، عادل» شمرده می‌شوند.» او به آیه ۲۱ اشاره می‌کند.

قوت این خوانش از تقارن ظاهری آیه‌ای ناشی می‌شود که در آن مسیح برای ما گناه می‌شود و مؤمنان در او پارسایی می‌شوند. از آنجا که مسیح، که گناهی نمی‌شناخت، گناه شد، در گیومه قرار دارد، بنابراین در گرفتاری گناهکاران شریک می‌شود. بنابراین، گناهکاران با شریک شدن در جایگاه پارسایی او پارسا می‌شوند. منطق درونی خود آیه باید در نهایت قطعی باشد.» در او «نشان دهنده اتحاد با مسیح است.

در سخنرانی بعدی، به بررسی اتحاد با مسیح در رساله‌های پولس ادامه خواهیم داد.

این سخنرانی دکتر رابرت پترسون در مورد تعلیماتش در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه شماره ۱۳، مبانی اتحاد با مسیح در پولس، اول و دوم قرنتیان است.